

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۲۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۹ خرداد ۱۳۸۹، ۹ ژوئن ۲۰۱۰

سردبیر، منصور فرزاد - عبدال گلپریان

مبارزه پایان نیافته! خاطره ای از قیام ۶ دی (عاشورا)

روز از تهران



لمس کرده بودیم. صدای مرگ بر دیکتاتور همه جای تهران را فرا گرفته بود. بمدت ۱۵ دقیقه این شعارها ادامه داشت. این برنامه، کار هر روزه این مردم بود. آن شب احساس عجیبی دل مرا فرا گرفته بود. فردای آنروز صبح ساعت ۸ زدیم بیرون. روز تاسوعا بود. نرسیده به میدان امام حسین، بسیجیها و لباس شخصیها باتوم بدست تمامی راهها را بسته بودند اما سیل جمعیت به قدری بود که خودشان نیز گنج شده بودند. با فحشهای رکیک از مردم پذیرایی میکردند! جمعیت که دیدند راهها بسته شد همگی سوار ماشین شدند. ماهم سوار شدیم. یکدفعه متوجه شدیم که همه ماشینها بوق میزدند. این بوق صدای اعتراض هزاران مردمی بود که نتوانسته بودند به عمق تظاهرات نفوذ کنند. بسیجیها فحش میدادند. پیشرفها و ... عروسی مامانتون؟ زدند چند تا ماشین را خرد کردند. دخترهای

وقتی در سکوت آرامشبخش شبانه به ستاره های آسمان مینگریم به یاد آن شب قبل از تاسوعا میافتم که با خانواده در خانه یکی از دوستان در یکی از مجتمع های بزرگ تهران مهمان بودیم. همه باهم از شهرستان برای شرکت در مبارزه مردم به تهران آمده بودیم. ماجرا از آنجا شروع شد که درست سر ساعت ۱۰ شب، همه خانه ها چراغهای خود را خاموش کردند و صدای شعارهای مشابه و منظم در همه جای ساختمان و محله پیچید. این شعارها از ته دل انسانهایی برمیخواست که فاشیسم مذهبی یا به معنای دیگر استبداد فاشیستی اسلامی را با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند؛ شعارهایی خود جوش از دل مردمی با اعتماد به آینده و امید به راهی.

ما آن شب چه احساسی داشتیم؟ احساس همدلی و همگامی. چون ما نیز در گوشه ای از آن کشور این ستم و پلیدی را با گوشت و پوست خود

صفحه ۳

مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران

اما طرح این سوال نشان میدهد که توقع مردم ایران از کردستان بیشتر از آنچه است که در این مدت مشاهده کرده اند. توقع بیشتر است زیرا همین سوال را در مورد دیگر شهرهای ایران که به این اعتراضات وصل نشده است نمیشنویم. طرح این سوال خودبخود ما را متوجه یک واقعیت سیاسی - تاریخی میکند. مردم کردستان از ابتدا توهمی به رژیم اسلامی نداشتند اند در شرایط انقلابی فعلی باید نقش بیشتری را بعهده می گرفتند. این توقع به جا و درست است. اما پاسخ من به سوال کننده این است که مردم و بویژه قشر پیشرو و انقلابی کردستان متوجه حساسیت اوضاع و توقعات به جای شما و امثال شما هستند. منتها واقعیت سیاسی نظامی

صفحه ۲

خوب متوجه نیستیم. اگر منظورتان گسترش مبارزات به همه استانها و شهرهای ایران از جمله کردستان است، این موضوع مشکلات خاص خود را داشته و و پدیده تازه ای هم نیست.

در دوران انقلاب ۵۷ هم با تفاوتی تقریباً چنین روالی طی شد. ابتدا اعتراضات خیابانی از شهرهای بزرگ و بعدا به گوشه و کنار ایران گسترش یافت. تا جایی که من به یاد دارم همان دوران هم شهرهای کردستان پیشقدم اعتراضات نبودند. زیرا در شهرهای بزرگ امکان گسترش این اعتراضات بیشتر از شهرهای کوچک است. در عین حال حساسیتهای معینی به مناطقی مثل کردستان بیشتر از بقیه شهرها هست و این موضوع مردم را محتاط میکند.



محمد آسنگران

ایسکرا: به سالگرد خیزش انقلابی مردم نزدیک میشویم به نظر شما با توجه به نزدیک شدن ۲۲ خرداد و اینکه مردم شهرهای کردستان اعتصاب موفقی را پشت سر گذاشته اند چگونه می توان این دور از اعتراضات مردم در کردستان را در سطح سراسری هماهنگ کرد؟

محمد آسنگران: در اینجا منظور شما از کلمه هماهنگ را

حضور قدرتمند فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در آی ال او، در رسانه های جهان بازتاب گسترده ای یافت

صفحه ۵



اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۴

دستگیری سعید تراییان از مسئولین سندیکای واحد را محکوم میکنیم

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران

از صفحه ۱

حاکم بر کردستان امکان اینرا نمیدهد که توده مردم با درجه ای از اطمینان به موفقیت کارشان به خیابان بریزند.

چرا که اولاً تعادل قوای کنونی هنوز این امکان را به رژیم میدهد که بتواند در کردستان سرکوب خونینی علیه مردم به خیابان آمده راه بیندازد و آنرا تحت عنوان مقابله با جنگ مسلحانه توجیه کند. دوما بخشی از مردم هنوز واقعیت تحولات امروز و همبستگی عمیق میان مردم معترض در همه بخشهای جامعه را درک نکرده اند. تعدادی هنوز فکر میکنند که ممکن است کردستان تنها بماند. اتفاقاً مقامات جمهوری اسلامی در تصمیم گیری برای اعدام پنج فعال سیاسی که چهار نفرشان از جمله فرزاد کمانگر از افراد شاخص کردستان بودند همین محاسبه را کرده بودند. که کردستان تنها میماند. بر همین اساس فکر میکردند که مردم ایران عکس العملی در مقابل اعدام این پنج فعال سیاسی نشان نخواهند داد.

من همان روز که خبر اعدام این فعالین سیاسی منتشر شد در یک مصاحبه با کانل جدید گفتم که جمهوری اسلامی دچار اشتباه محاسبه شده است. جوابی دریافت خواهد کرد که از عملکرد خود پشیمان شود. اکنون با اعتراضات وسیع و رادیکالی که علیه اعدامها دیدیم فکر میکنم جمهوری اسلامی متوجه اشتباه محاسبه خود شده باشد. قبلاً به دلیل حس ناسیونالیستی و مذهبی هر دو رژیم توانسته بود در میان مردم تفرقه ایجاد کند. و کشتن فعالین سیاسی در کردستان حساسیت چندانی را به دنبال نداشت. اما اکنون و در یک سال گذشته این فضا کلاً متحول شده است. مردم میدانند که در کردستان نه یک جنبش برای جدایی از ایران و یا به قول رژیم اسلامی "وابسته به امیرالیسم و..." که یک جنبش برای احقاق حقوق اولیه مردم این منطقه در جریان بوده است.

اما در این دوره معین دو عامل باعث اختلاف فاز اعتراضات کردستان و بقیه شهرهای ایران شده

است. یکی اینکه کردستان بشدت میلیتاریزه است و دوم اینکه رژیم اسلامی به اعتراضات مردم در کردستان بسیار بیشتر حساس است و خیلی زود آنرا به مسایل امنیتی مربوط میکند. علاوه بر این اعتراضات خیابانی در کردستان خیلی سریع به جنگ نهایی و تعیین تکلیف با نیروهای مسلح حاکم رژیم اسلامی منجر میشود. این هم یک فاکتور جدی است زیرا در کردستان نیروهای مسلح حکومت میکنند نه یک دولت یا رژیم سیاسی معین که پایگاهی در میان قشر یا اقشاری از مردم دارد.

اما این واقعیت ساده بعضی از جریانات سیاسی را دچار توهم کرده است. توهمی از این نوع که گویا اگر مردم کردستان همراه مردم تهران به خیابان نیامده اند جنبش سراسری علیه جمهوری اسلامی را مربوط به خود نمیدانند. این یک توهم ناسیونالیستی است. که میخواهد مردم کردستان را تافته جدا بافته ای معرفی کند که چنین نیست. زیرا مردم کردستان همانند مردم بقیه ایران از رژیم اسلامی متنفر هستند و مترصد فرصتی میباشند که بتوانند با حد اقل هزینه بیشترین ضربه را به دشمن بزنند. در دنیای واقعی این توهمات از ذهنیت بیمار گویندگان آن ناشی میشود نه از واقعیت جامعه. اما در پایان باید تاکید کنم که همراهی همه شهرها برای به خیابان آمدن علیه رژیم اسلامی روندی قطعی و اجتناب ناپذیر است. تعادل قوا و پیشروی جنبش انقلابی مردم در مسیر خود همه شهرها از جمله مردم کردستان را به خیابان خواهد کشید. به قول معروف دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.

ایسکرا: در ۲۳ اردیبهشت و در اعتراض به اعدام ۵ فعال سیاسی مردم در سراسر شهرهای کردستان به فراخوان احزاب چپ دست به یک اعتصاب سراسری زدند که نه تنها در کردستان بلکه پشتیبانی از این اعتصاب ابعادی فراتر از ایران را به خود گرفت. سؤال این است چگونه می توان گامهای فراتری از این اعتصاب برداشت؟ نه تنها در

محدوده کردستان بلکه در هماهنگی با مبارزات این دوره و در هماهنگی با مردم سراسر کشور؟

محمد آسنگران: اعتصاب عمومی کردستان امکان عروج یک رهبری چپ و رادیکال را تقویت کرد. به هر نسبتی که این رهبری در ابعاد سراسری بتواند نقش بازی کند و جریانات اصلاح طلب حکومتی حاشیه ای شوند به همان اندازه امکان حرکتی یک پارچه و متحد در سراسر ایران و در میان همه اقشار اجتماعی ممکن میشود. به درست یا غلط واقعیت این است که بخشی از مردم معترض هنوز به طور جدی پا به میدان نگذاشته اند. زیرا نگران تقویت جناح اصلاح طلبان حکومتی هستند. اما تضعیف اصلاح طلبان حکومتی و تقویت اتحاد و همبستگی مردم به این گره خورده است که یک رهبری چپ و کمونیست بتواند هژمونی پیدا کند. در چنین شرایطی هماهنگی و اتحاد و اقدامات قدرتمند امری ممکن و عملی خواهند بود. زیرا با صراحت کلام میتوان به مردم گفت که این رژیم سرنگون و به جای آن حکومتی سکولار، آزاد و مرفه می آید. اگر مردم به این حداقل ها مطمئن شوند هم در ابعاد میلیونی به میدان خواهند آمد و هم سرعت حرکت برای پیروزی چند برابر خواهد شد.

ایسکرا: در چند روز اخیر ماموران رژیم اسلامی اقدام به پلمب کردن مغازه های برخی از شهروندان در شهرهای کردستان کرده اند. چه فراخوانی برای مقابله با این فشارها و اذیت و آزار مزدوران رژیم در شهرهای کردستان دارید؟

محمد آسنگران: با انتشار این خبر و مشاهده پلمب شدن تعدادی از مغازه ها اولین چیزی که به ذهن متبادر میشود این است که جمهوری اسلامی در مقطع اعتصاب عمومی اعلام کرد که در کردستان خبری نبوده است. سکوت مطلق و یا تکذیب اعتصاب عمومی تنها عکس العمل رژیم اسلامی بود. حالا بعد از مدتی میشنوم که تعدادی از مغازه ها پلمپ شده و جرم آنها شرکت در اعتصاب عمومی و یا نقض قوانین و نظم دولتی برای مغازه ها و کارگاه

ها اعلام شده است.

اینجا دو موضوع پیش می آید اولاً رژیم با این عمل خود تمام ادعاهای آن مقطع خود را تکذیب میکند. زیرا رژیم مدعی شده بود که مردم کردستان به فراخوان اپوزیسیون جواب نداده اند. دوما اگر مردم به فراخوان اعتصاب عمومی جواب داده و اکنون باید تقاضا پس بدهند نشان میدهد که رژیم اسلامی مورد نفرت عمومی است و باید گورش را گم کند. در هر حال واقعیت این است که جمهوری اسلامی با پلمپ کردن تعدادی از مغازه ها و کارگاه ها میخواهد به زور اسلحه مردم را وادار به سکوت کند.

اما مردم این رژیم را میشناسند و میدانند که پر و بال آن ریخته و نمیتواند با جسده ضعیف شده اش قیافه دروغین پهلوانها را در بیاورد. در همین راستا باید مردم کردستان یک بار دیگر جواب درخوری به نیروهای سرکوبگر رژیم بدهند. واقعیت این است که تعطیلی مغازه ها و کارگاه ها در جریان اعتصاب عمومی کردستان نه چند ده و چند صد که چندین هزار بوده است. اکنون با پلمپ کردن چند ده مغازه میخواهند در میان مردم تفرقه ایجاد کنند. زیرا نمیتواند همه مغازه ها و مکانهایی که در اعتصاب عمومی شرکت کردند را پلمپ کند. چون اگر به چنین کاری دست بزند باید ۹۰ درصد مغازه ها و اکثر کارگاهها را پلمپ کند و این کاری غیر عملی و ناممکن است.

بنا بر این تنها کاری که میتواند بکنند این است که تعدادی از این اماکن را دست نشان و پلمپ کنند. با این کار میخواهد هم تفرقه بیندازند و هم اتحاد مردم برای حرکات بعدی و در آینده را دچار مشکل کنند. مردم باید این ترفند را بشناسند. متحدانه به میدان بیایند و اجازه ندهند که تعدادی از مغازه ها و کارگاهها مورد تعرض قرار گیرند. زیرا رژیم میدانند اگر این چند مغازه را بدون دردسر بتوانند تعطیل و پلمپ کند فردا نوبت بقیه هم خواهد رسید. اگر با مقاومت یکپارچه مردم مواجه بشود ناچار است که کوتاه بیاید و قبول کند که نمیتواند کاری از پیش ببرد.

ایسکرا: معاون استانداری کردستان ارسال اذھاری روز

یکشنبه ۹ خرداد در یکی از اعیاد رژیم اسلامی در سنجند گفت: مد شدن لباس های تنگ نشان از جاهلیت است و حکومت اسلامی ما این جهل و عقب افتادگی را بر نمی تابد و با آن مبارزه می کند. وی نقش زنان را در کاهش نرخ آسیبهای اجتماعی موثر دانست و افزود: اگر زنان ما با رعایت و حفظ شئون اسلامی در جامعه حضور پیدا کنند بدون شك شاهد کاهش بسیاری از آسیبهای اجتماعی در جامعه خواهیم بود. همچنین گفت: امروز به خاطر بی توجهی بعضی از زنان شاهد از بین رفتن این حد و حدودها و در نتیجه بی ثباتی خانواده ها هستیم. وی خواستار برخورد شدید با بی حجابی در جامعه شد و افزود: باید با فرهنگسازی و نهادینه کردن حجاب و عفاف زمینه برخورد جدی با عاملان و مروجان ناهنجاری ها در جامعه را فراهم کرد. اظهارات این مهره رژیم را چگونه توضیح میدید؟

محمد آسنگران: واقعیت این است که رژیم اسلامی بر کوهی از باروت نشست و نگران منفجر شدن آن است. ما هم به این رژیم اطمینان میدهم که این باروت به زودی منفجر میشود.

مد لباس و فرهنگ و ادبیات و تکنولوژی را نمیتوان با تعدادی آیه و سوره و آخوند و پاسدار و بسیجی و... متوقف کرد. مردم هر چند خود را مذهبی و سنتی هم فرض کنند که نمیکند، اما اسلامیا پیشرفت جامعه را نمیتواند متوقف کنند. توقف حرکت تکاملی جامعه و از آن بد تر عقبگرد جامعه تا دوران پیغمبر اسلام و شتر سواری و خرما خوردن او برای یک آخوند ممکن است در ذهن بیمارش آرزویی عملی به نظر برسد. اما مقابله با حرکت تاریخ غیر ممکن و فقط میتواند اسمش را خودکشی گذاشت. آغاز خودکشی جمعی اسلامیهستها در ایران فرا رسیده است. زیرا راه دیگری به روی آنها باز نیست. تاریخ به عقب برنمیگردد. تاریخ فقط اگر در مقطعی عقب گرد به آن تحمیل میشود اما این حالت موقت را نمیتوان سیر طبیعی و حتمی تاریخ نام نهاد. اینها استثنائاتی بر

مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران

از صفحه ۲

تاریخ است که نمونه آن از ۳۰ سال قبل در ایران آغاز شده است اما امروز سیر رو به افول آن قطعی و اجتناب ناپذیر است.

ایسکرا: بعنوان آخرین ستوال اوضاع سیاسی ایران را چگونه میبینید؟

محمد آسنگران: به دنبال آغاز حرکت میلیونی مردم، رژیم اسلامی با خطر مرگ و زندگی مواجه شد و برای دفاع از خود از همه امکاناتش استفاده کرد. سرکوبهای شدید، شکنجه و تجاوز به شکلی که در جامعه منعکس شود و مردم از چنین اعمالی بترسند، کشتار و اخراج از کار و تحصیل و دهها نمونه دیگر از توحش اسلامی همگی در خدمت حفظ رژیم اسلامی بود. در پی این توحش بخشهایی از مردم محتاط و تعداد قابل توجهی از فعالین راهی خارج کشور شدند. تعداد بیشتری از فعالین عرصه های مختلف دستگیر، شکنجه و از امکانات اولیه زندگی محروم شدند.

تعدادی هم محتاط شده و منتظر تغییر تعادل قوا هستند. موج اولیه تعرض به رژیم در میان اقشاری از خرده بورژوازی ایران این توهم را ایجاد کرد که رفتن رژیم اسلامی به زودی عملی است. اما هنگامیکه مقاومت رژیم و بکارگیری نیروهای سرکوبگر را دیدند بخشا نا امید از پیروزی و بخشا هم با برخوردی سطحی فکر کردند که اتفاقی نیفتاده و روال به همان سیاق قبل است.

این دو برخورد سطحی نشان میدهد که گرایشهای سیاسی نزدیک به این اقشار دچار نوسان و ناامیدی و یا بی توجه به اتفاقات پیش آمده، مشکلات و موانع را نادیده میانگاشت و مثل جریانهای چریکی فقط فداکاری را معیار و راه حل میدانند. در هر حال آنچه برای یک نیروی کمونیست مهم است این است که هم واقعیات را ببیند و برسمیت بشناسد، و هم در دل چنین شرایطی راه حل واقعبینانه و درست را به مردم گوش زد کند. نیرویی که نا امید شده و فکر میکند که فعلا

خبری نیست و نمیتوان کاری کرد و رژیم اسلامی را مقتدر و ماندنی فرض میکند، نه ابتدا متوجه عمق و ابعاد بحران و لاعلاجی و رفتن حتمی جمهوری اسلامی بوده و نه اکنون میتواند متوجه تحولات آتی و مکانیسم تغییر جامعه و پیچیدگی اوضاع باشد. هر دو این گرایشها را دیده و تجربه کرده ایم. به نظر من هر دو گرایش سیاستشان بر پایه ای محکم سوار نیست. یکی با انکار واقعیات میخواهد صورت خود را سرخ نگهدارد و پیچیدگی اوضاع را نمیشناسد، آن دیگری با یک تلنگر همه امیدش را بر باد رفته فرض میکند و دچار یاس و ناامیدی شده است. البته یک گرایش نادر و مستثنا هر چند بی تاثیر و حاشیه ای وجود دارد که از اول با همه این حرکات مشکل داشته و منتظر مهدی موعود خودش است که هیچ وقت ظهور نخواهد کرد. این گرایش به دلیل غیر جدی بودن و بی تاثیر بودنش مورد بحث نیست.

اما واقع بینی و در عین حال روندهای پایدار را دیدن، ما را به این نتیجه میرساند که هم پذیریم که در مسیر حرکت تا کنونی مشکلاتی را

دچار شده ایم و ضرباتی را متحمل شده ایم، هم بپذیریم که باید کارهای دیگری کرد و برای پیروزی باید نقطه ضعف و قوت های خودمان را بازبینی کنیم و برای تعرض جدیتر خیز برداریم. بدون این واقع بینی یا دچار یاس و ناامیدی میشوید و یا به انتظار تحولات خود بخودی خواهید بود که خارج از اراده تو تحولات سیاسی پیش برود. اگر حالت اولی نمونه تئیسیک خورده بورژوازی محدود نگر را نشان میدهد، این حالت دومی خرده بورژوازی سطحی نگر و در بهترین حالت ماجرا جورا به ما نشان میدهد، که اولین ضررش این است که بی اختیاری و بی ابتکاری و بی نقشگی را توجیه میکند.

کمونیستها اما در هر نبردی با سلاح نقد به پیشواز آینده میروند و نقطه ضعفهای خود را بیرحمانه به نقد میکشند و راه آینده را با هشیاری کامل و دیدن همه مولفه ها برای پیروزی بکار میگیرند. واقعیت این است علیرغم ضرباتی که انقلابیون و مردم معترض متحمل شده اند، صف رهبران و کادرهای رژیم جمهوری اسلامی از همیشه ضعیفتر و مشتت تر شده است. علیرغم اینکه

خیابان را با کشتار و زندان و اسلحه از مردم گرفته اند، اما این هم موقتی است. مردم به زودی به خیابان بر میگردند.

نقطه ضعف اصلی مبارزات مردم در ایران چه در دوره گذشته و چه امروز نبود یک رهبری قابل قبول برای عموم و در عین حال رادیکال و با نقشه است. این رهبری را مردم در جریان عمل با تکرار آزمون و خطا انتخاب خواهند کرد. مردم گامهایی مهمی به این سمت برداشته اند. اول مه امسال و اقدام جنبش کارگری در این روز و اعتصاب عمومی کردستان نمونه اقدامات جدی در این جهت بودند. یک وظیفه مهم و حیاتی کمونیستها شکل دادن به چنین رهبری و معرفی آن به جامعه است.

تشکل و سازمانیابی مردم و جنبشهای انقلابی ستون فقرات شکل دادن به این رهبری است. نقش رهبران و فعالین کارگری در محل به عنوان رهبران عملی و در صحنه جدال سیاسی در جامعه و هماهنگ شدن با قطب چپ و حزب کمونیستی خود از حلقه های اصلی این حرکت سرنوشت ساز است.

* * *

مبارزه پایان نیافته! ...

از صفحه ۱



جوان سرهایشان را از پنجره های ماشینها بیرون آورده بودند و یکریز علیه حکومت شعار میدادند. بسیجیها به این ماشینها حمله میکردند و تا میتوانستند خردشان میکردند ولی از ماشینهای دیگر صدای اعتراض بلند میشد. چه جوی بود! ما توی ماشین بودیم که دیدم چند تا بسیجی جلوی پسر جوانی را که از پیاده وارد میشد و اصلا هم شعار نمیداد گرفتند و با

این دیگر کار مردم شده است که از هر سوراخی وارد میشوند تا نرفتشان به حکومت را اعلام کنند. هوا تقریباً تاریک شده بود که به جماران رسیدیم. دو تا خانواده بودیم. جلیقه مشکی ها و بسیجی ها ریختند و سخنزانی خاتمی را به هم زدند. یک دفعه متوجه شدم که مردم مثل سیل به خیابان سرازیر میشوند. به این همه از خود گذشتگی و فداکاری غبطه خوردم. چه مردم نازنینی! چقدر متمدن و شبک پوش! انگار دارند به عروسی میروند نه به استقبال مرگ! چند لحظه بعد راه پیمایی شروع شد. مردم پای کوبان مشتشان را گره کرده بودند و شعار میدادند. هر کس هر شعاری میداد مردم آن را تکرار میکردند. الان که دارم به آن شب فکر میکنم تپش عجیبی در قلبم احساس میکنم. من دست دخترم را گرفته مانند هر مادری که دوست ندارد فرزندش را براحتی از دست بدهد دوست نداشتم صدمه ببیند. او هم مثل هر دختر جوانی پیر شور و احساسی به اقتضای سنش حتی

دوست داشت به استقبال مرگ هم برود. لحظه به لحظه سیل جمعیت زیاد میشد. بسیجیها تا دیدند که جمعیت زیاد میشود اگر عکس العملی نشان نمیدادند مردم تا صحبت به خانه هایشان برنمیگشتند. حمله را شروع کردند. یکدفعه چشم غیر از دود جایی را ندید. سکوت مرگباری همه جا را فراگرفت. هیچ کس را نتوانستم پیدا کنم. احساس کردم گلو و چشمم میسوزد. دنبال بچه ها میگشتم. ولی هیچ کس و هیچ چیزی را نمیدیدم. لحظه ای بعد صدایی به گوشم رسید. بچه ها فرار نکنید، فرار نکنید. اول گاز اشک آور و بعد حمله را شروع کردند. مردم روی همدیگر افتاده بودند. دنبال دخترم میگشتم. یکدفعه متوجه شدم که چند تا جوان کسی را دوره کرده اند. نزدیکتر شدم دیدم دخترم آنجاست و جوانها دارند به صورتش سیگار دود میکنند و آب در حلقش میریزند. حالش بهتر شده بود. چون اولین بار بود که طعم گاز اشک آور و فلفل را چشیده بود. بالاخره بعد از ساعتی

دوستان را پیدا کردیم و به خانه برگشتیم. همگی سالم بودیم. شب هم طبق معمول سر ساعت ۱۰ شعارها شروع شد و ۱۰ و ۱۵ دقیقه پایان یافت. خوابیدیم تا فردا زود بیدار شویم و به استقبال روز عاشورا که یکی از خونین ترین روزهای جنبش انقلابی مردم بود برویم. و بالاخره روز عاشورا فرا رسید. صبح همگی در خانه ای که ما در آنجا مهمان بودیم از همدیگر خداحافظی کردیم. کارتهای شناسایی و مدارک را بچه ها از جیبهایشان خالی کردند و روانه خیابان شدیم. ماشین را یک جایی نزدیکهای میدان فردوسی پارک کردیم و رفتیم. چه روزی بود! هزاران هزار نفر مثل ما روانه خیابان ها بودند. همه به طرف میدان آزادی در حرکت بودیم. پیاده روها مملو از جمعیت بود. وسط خیابان هم بسیجیها باتوم و اسلحه بدست و کلاه خود بر سر. ولی در دو طرف خیابان جمعیت سیل گونه سرازیر میشدند. سکوت مطلق همه جا را فراگرفته بود. سکوتی مطلق اما

اخباری از شهرهای کردستان

سندج: پلمپ، احضار و تهدید بازاریان در شهرهای کردستان بنا به اخبار رسیده در پی اعتصاب بازاریان شهرهای مختلف کردستان در اعتراض به اجرای حکم ۵ فعال سیاسی توسط جنایتکاران حکومت اسلامی، برخی از بازاریان شهرهای مختلف به اداره اطلاعات احضار و محل کسب برخی نیز از سوی اداره اماکن پلمپ شده است.

روز چهارشنبه دوازدهم خرداد ماموران اداره اماکن رژیم در سندج، که جهت پلمپ مغازه پیمان جوانمردان واقع در خیابان فرودسی سندج مراجعه کرده بودند، با مقاومت مردم روبرو شدند. مقاومت مردم در مقابل مزدوران به جایی رسید که حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی نیروهای ضد شورش خودش را وارد عمل کرد.

پس از حضور نیروهای ضدشورش، ماموران تصمیم به بازداشت پیمان و سایر فرزندان محی الدین جوانمردان گرفتند اما مردم سندج اجازه این کار را به آنان ندادند و یک زن میانسال پلاکارد پلمپ مغازه را پائین کشید و پاره کرد.

علی رغم اعتراض و مقابله مردم با ماموران سرکوبگر، سرانجام نیروهای ضدشورش مردم را متفرق و مغازه را پلمپ کردند.

مریوان: اداره امکان شهر مریوان اقدام به پلمپ کردن تعدادی از مغازه‌های شهر مریوان کرده است و از صاحبان مغازه‌ها خواسته اند، روز پنجشنبه جهت ارائه پاره ای توضیحات به ستاد خبری اداره اطلاعات شهر مریوان مراجعه بکنند. پیشتر گزارشاتی از احضار و تهدید اصناف شهرهای سندج، کامیاران، مهاباد و دیگر شهرها منتشر شده بود

برای نجات جان محمود صالحی بشتابیم



کارگران، زحمتکشان، مردم شریف و انسان دوست!

محمود صالحی، یکی از رهبران سرشناس طبقه کارگر ایران، مدت هاست که از بیماری حاد کلیوی رنج می برد و در هفته های گذشته چنان حال وی رو به وخامت نهاده است که هیچ گونه درمانی برای مداوای وی موثر نبوده است و بنا به تشخیص پزشک متخصص و اوضاع نگران کننده جسمی وی، باید هرچه سریعتر مورد عمل جراحی جهت پیوند کلیه قرار بگیرد.

محمود صالحی، نه متعلق به خود، خانواده و دوستانش که گنجینه ایست که در دامن مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران پرورده شده است و هرگونه اتفاق سوئی برای او، ضایعه ای برای جنبش کارگری ایران خواهد بود. بدین وسیله ما از همه شما عزیزانی که می خواهید به محمود صالحی کمک کنید می خواهیم که با تمام توان طبقاتی و اراده انسانی تان به یاری ما برای نجات جان این دوست، همراه و رهبر جنبش کارگری ایران بشتابید و برای اهداء کلیه چه با همت و چه با قیمت با گروه خونی (-O) (او/منفی) یا هرگونه کمکی در این راستا در کنار ما قرار بگیرید.

لطفا با ما از طریق تلفن های زیر تماس بگیرید:
۰۹۱۸۸۷۴۷۱۰۴ و
۰۸۷۴۳۲۶۱۹۸

دست همه شما را به گرمی می فشاریم.
از طرف خانواده و دوستان
محمود صالحی
=====

علیرضا اخوان فعال کارگری و عضو کانون مدافعان حقوق کارگر دستگیر شد

طبق خبر دریافتی علیرضا اخوان، فعال کارگری و عضو کانون مدافعان حقوق کارگر در روز جمعه مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۴ ساعت ۴ بامداد، توسط نیروهای امنیتی در منزلش بازداشت شد و تا زمان

دریافت این خبر از وضعیت وی خبری در دست نیست.

ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، بازداشت این فعال کارگری را محکوم کرده و خواستار آزادی بی قید و شرط نامبرده می باشیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۱۶ خرداد ۱۳۸۹

کامیاران: طبق خبر ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری زمینهای واقع در روستا های الك و سید اسمائیل در شهرستان کامیاران که در سال های ۵۷ از مالکان گرفته شده و جهت کشت به مردم روستا ها داده شده بود مجدد از آنها پس گرفته شد و زندگی آنان را با مشکلات دو چندان مواجه کرد.

طبق خبر ارسالی در حال حاضر ستاد اجرائی امام خمینی تمام این زمین ها را به نام خود سند زده و به مردم گفته شده که باید به ازای یک هکتار زمین باید ۳ میلیون و شصصد هزار تومان پرداخت کنند تا زمین ها را به مردم باز گردانند. این در حالیست که مردم این روستا ها حتی با داشتن این زمین ها نیز نمیتوانستند خرج زندگی خود را بدهند چه برسد که بخواهند به ازای هر هکتار پولی هم پرداخت نمایند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۱۳ خرداد ۱۳۸۹

گزارش کارگری

در مراحل مختلف احداث جاده ها باز هم دستان پینه بسته کارگران، بستر زمین سخت را برای آسایش ما به ارمغان می آورد.

مدت ۳ سال است که عوامل شهرداری و استانداری کردستان اقدام به تاسیس زیر گذری در سه راه شاملان سندج به اسم زیر گذر بیست و دو گولان نموده اند که که تعداد ۶ نفر کارگر ساده در شرکت ارم تاب مشغول به کار بوده که از این تعداد، ۴ نفر افغانی بوده و ۲ نفر دیگر به صورت روزمزد کار می نمایند که به جز اضافه کاری در موارد دیگر در چهار چوب قوانین اداره کار قرار نمی

گیرند. این ۴ نفر کارگر غیر ایرانی در این ایام مسئول احداث چاهها برای تاسیس این زیرگذر بوده اند و تحت هیچ گونه مزایایی از جمله بیمه و سابقه کار قرار نمی گیرند. و این در حالی است که این کارگران غیر ایرانی در شرایط بسیار خطرناک و بدون هیچ گونه امنیتی در حال کار هستند همچنین ساعات کار در شرکت مذکور از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۲۳ شب اجباری بوده و در صورت سرپیچی با برخورد سرکارگر مواجه خواهند شد. اما ۱۲ کارگران دیگر که تحت پوشش بیمه می باشند نیز به مدت ۲ ماه بود که لیست بیمه آنها بدلیل واهی تمام شدن قرارداد شرکت گزارش داده نمی شد ولی با پیگیری مداوم کارگران آنها موفق شدند تا کار فرما را وادار نمایند که بیمه به تا خیر افتاده کارگران نامبرده را وارد نماید.

دفن مخفیانه پیکر اعدام شدگان ۱۹ اردیبهشت ماه
بنا به اخبار رسیده اعضای خانواده اعدام شدگان ۱۹ اردیبهشت روز چهارشنبه ۱۲ خرداد ماه برای پیگیری و تحویل اجساد قربانیان این جنایت به استانداری کردستان مراجعه کردند.

مادر فرزند کمانگر معلم اعدام شده به همراه خواهر فرهاد و کیلی و مادر و خواهر علی حیدریان ساعت

۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۲ خرداد ماه در یکی از اتاق های ساختمان استانداری با اسماعیل نجار استاندار کردستان ملاقات کردند.

در این ملاقات خانواده اعدام شدگان خواهان مشخص شدن چگونگی تحویل پیکر اعدامیان شدند و استاندار کردستان در پاسخ به آنها اعلام کرد " اعدام شدگان در محلی که هم اکنون به دلیل شرایط امنیتی قادر به افشای آن نیستیم دفن شده اند و پس از گذشت زمان و مساعد بودن اوضاع مسئولین مربوطه محل دفن آنها را به شما اطلاع خواهیم داد." هم چنین در پی اعلام طلب بخشش اعدام شدگان در آخرت از سوی استاندار، خانواده اعدام شدگان به وی معترض شدند و استاندار کردستان پس از مشاجره لفظی با خانواده ها اتاق ملاقات را ترک کرد.

در پی این ملاقات، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی با سایر اعضای خانواده از جمله برادر علی حیدریان و فرهاد و کیلی تماس گرفته و آنها را تهدید کردند در صورت تکرار این ملاقات ها آنها را بازداشت خواهد نمود.

۱۵ خرداد ۸۹

سعید ترابیان از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت شد

ساعت ۹ صبح امروز چهارشنبه ۱۹ خرداد ماه، چهار نفر از مامورین امنیتی با وارد شدن به منزل سعید ترابیان در مقابل چشمان اعضای خانواده اش بر دستهای وی دستبند زده و سپس بمدت سه ساعت منزل ایشان را مورد تفتیش قرار دادند و با جمع آوری وسایل شخصی و کیس کامپیوتر و وارد کردن اتهامات واهی، وی را حدود ساعت ۱۲ ظهر از منزل اش به نقطه نامعلومی منتقل کردند.

بازداشت سعید ترابیان در حالی صورت گرفته است که نامبرده پس از چهار سال پلانتکیفی و تحمل مشقات فراوان حدود چهار ماه بود که بر سر کار بازگشته بود و در حال حاضر منصور اسالو و ابراهیم مددی رئیس و نایب رئس سندیکای شرکت واحد در زندان بسر می برند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اقدام مامورین امنیتی در بازداشت سعید ترابیان را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید شرط وی و منصور اسالو و ابراهیم مددی از زندان است.

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
خرداد ۱۳۸۹

حضور قدرتمند فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در آی ال او، در رسانه های جهان بازتاب گسترده ای یافت

فعالین حزب، صدای اعتراض میلیونها نفر در ایران را از زبان حزب کمونیست کارگری ایران در جهان انعکاس دادند. وال استریت ژورنال عکس اعتراض فعالین حزب در آی ال او را بعنوان یکی از عکسهای مهم روز انتخاب کرده است.

برخی از رسانه های خبری جهان که این اعتراض را انعکاس داده اند عبارتند از: آسوشیتد پرس، یاهو

کنفرانس جهانی کار اعتراض کرده و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شده اند.

به این ترتیب برای نخستین بار خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار در ابعاد گسترده ای در رسانه های جهان از آمریکای شمالی، آمریکای لاتین تا اروپا و آسیا انعکاس یافته است. دهها رسانه خبری جهان با درج عکسهای

آکسیون اعتراضی و قدرتمند فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در افتتاحیه نود و نهمین کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او) بازتاب گسترده ای در رسانه ها داشت. تصاویر و خبر مربوط به این اعتراض در رسانه های خبری مختلف جهان منعکس شده است. در تمام این رسانه ها اعلام شده است که اعضای حزب کمونیست کارگری ایران به حضور جمهوری اسلامی در

جمهوری اسلامی در آی ال او را، در رسانه های جهان يك موفقیت و يك سکوی پرش در جهت انزوای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی از مجامع بین المللی میدانند. ما این موفقیت را به مردم ایران تبریک گفته و تضمین میدهم به هر شکل ممکن برای انعکاس پیام انقلاب مردم ایران در جهان و انزوای سیاسی جمهوری اسلامی به تلاش و مبارزه خود ادامه دهیم.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۴ ژوئن ۲۰۱۰

نیوز، وال استریت ژورنال، ایندیا تایمز، یو اس تودی، دی لایف، دالاس مورنینگ نیوز، روزنامه و رسانه خبری تصویری سوئیسی ۲۰ مینوتس آنلاین، شبکه خبری ترکیه تارز حبر و روزنامه ترکی بیاض گزاتنه، تاپیک پرس، اگر پرس، شرکت تلویزیونی آرکانسس، گرین یل پیچ، فابرس (هوم پیچ رهبران بیژنس جهان) و نیوز رادیو ۶۲۰.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران بازتاب گسترده خبر اعتراض به حضور

مبارزه پایان نیافته! ...

از صفحه ۳

تونل وحشت درست کرده بودند. یکی یکی بچه ها را از آن تونل گذرانده و زده بودند. آن شب بغض و کینه همه وجودمان را فرا گرفته بود. ساعت ۱۰ شب دوباره زیم بیرون. تمامی پشت باهما پراز مردم بود. مردم به مدت یکساعت یک ریز فریاد زدند مرگ بر دیکتاتور. مرگ بر خامنه ای. و بعد شمع روشن کردند. به یاد عزیزانی که آن روز به خاک و خون کشیده شده بودند. دوست نداشتیم بیایم داخل. آنشب ساعتها شعار دادیم. میخواستیم نشان بدهیم که مبارزه هنوز پایان نیافته است. و الان که در این سکوت شبانه به خود برمیگردم مطمئن هستم که مبارزه پایان نیافته بلکه روز بروز عمیقتر، روشن بینانه تر، منسجمتر به پیش خواهد رفت. به امید آن روز.

همراه شو عزیز
تنها نمیشود،
زین درد مشترک،
هرگز جدا جدا درمان نمیشود.

آسیای سرکش تقدیر میچرخد به تندی.
یا به دستان توانا چرخهایش را گرفتن
یا به تندی خرد گشتن زیر چرخ بی آمانش
انتخاب ره بود پیوسته کار رهسپاران

بالای پل به طرف مردم پرتاب کرده بودند. ولی تقریباً درگیری در آنجا پایان یافته بود. و مردم به طرف جلو حرکت کرده بودند. از گوشه و کنار پل زخمی ها را می آوردند. دوباره جنگ و گریز، دوباره گاز اشک آور. بسیجها دنبالمان کردند. هفت هشت نفر بودیم که وارد یک کوچه بن بست شدیم تا بسیجها ما را نبینند. یکدفعه متوجه شدیم که دو تا در را باز کردند و از داخل حیاط خانه به ما اشاره کردند که زود بیایین تو. ما بلافاصله وارد خانه شدیم. صاحب خانه آب و ساندویچ و نوشابه آورد. چون از ساعت ۸ صبح تا پنج بعد از ظهر چیزی نخوره بودیم. هلیکوپترها از فاصله نزدیک در بالای سرمان مانور میدادند. با دیدن هلیکوپترها در بالای سرمان، یک دفعه دختر کوچکم دو تا انگشتش را به علامت پیروزی به آسمان بلند کرد و فریاد زد مرگ بر دیکتاتور. چند ساعت آنجا منتظر شدیم و بالاخره هوا تاریک شد. وقتی بیرون آمدیم تقریباً درگیریها پایان یافته بود. دود آتش همه جا را فراگرفته بود. همه توی این فکر بودیم که بالاخره چی شد؟! قیام پیروز شد یا نه. ولی معلوم بود که رژیم به هزار زحمتی هم که شده توانسته کنترل را بدست بگیرد. شب که به خانه رسیدیم دیدیم که همه دوستان زخمی شده اند و دکتر مخفیانه به خانه آمده و دارد بخیه میزند. غیر از سرشان وقتی بدنشان را نشان دادند سیاه سیاه شده بودند. چه جنایتی! میگفتند بسیجها

آتشی زیر خاکستر. مثل این که مردم تصمیم گرفته بودند سرنوشتشان را در این روز تعیین کنند. مدتی بدین منوال گذشت. لحظاتی بعد زرد خوردی خونین در گرفت. گازهای پرتاب میکردند که نه اشک آور بود و نه فلفل. حالت تشنج واقعی به انسان دست میداد. قلب یکی از دوستان مسن از حرکت ایستاد. بزور او را از مخمصه نجات دادیم. مردم قهرمانانه از خود دفاع میکردند. این دفعه بسیجها به جای مردم فرار میکردند. ما از دوستان جدا شدیم. و دیگر نتوانستیم آنها را پیدا کنیم. ما مجبور شدیم کمی عقب نشینی کنیم. چون دختر کوچکمان حالش بدتر شده بود. وارد یک پارک شدیم. جوانان ریختند سر بچه. یکی بغلش کرده بود. دیگری سیگار دود میکرد. آن یک دستمالهای آغشته به سرکه جلوی دهنش گرفته بود. و بقیه هم با حرفهای شیرین او را میخنداند. چه فضایی بود! پر از صمیمیت و صداقت. جالبتر از همه اینها، دختر کوچکم با آن سن کوچکش بزرگترها را دلدار می داد و میگفت نگران نباشید حالم بهتر شده است. بالاخره ما مجبور شدیم به خاطر بچه از کوچه پس کوچه ها عقب نشینی کنیم و خودمان را به جای امنی برسانیم اما موفق نمیشدیم. همه جای تهران خون بود و آتش و گلوله. توی همه خیابانها درگیری بود و جنگ و گریز. وقتی که رسیدیم به پل کالج، قیامی بر پا بود. بسیجها هر چه سنگ بود از

دستگیری سعید ترابی از مسئولین سندیکای واحد را محکوم میکنیم

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اقدام مامورین امنیتی در بازداشت سعید ترابی را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید شرط وی و منصور اسالو و ابراهیم مددی از زندان است.

حزب کمونیست کارگری دستگیری سعید ترابی را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او، منصور اسالو و ابراهیم مددی و کلیه زندانیان سیاسی است. حزب کمونیست کارگری کارگران شرکت واحد و کلیه کارکنان مردم آزادیخواه و سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به محکومیت جمهوری اسلامی و مبارزه برای آزادی سعید ترابی و کلیه زندانیان سیاسی فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ خرداد ۱۳۸۹، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیسی

ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوآلی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیر ماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!